

صد خطاب

یا نامه های کمال الدوله بجلال الدوله

—۱—

چندین سال پیش در یکی از مسافرتهاى خارج از ایران کتاب خطی بدست نگارنده افتاد که جلد آخرش افتاده ولی شیرازه اش پیریشان نشده بود چون در آن نیک نگریستم دیدم نوشته شده (مکتوب اول کمال الدوله به جلال الدوله در رمضان ۱۲۸۰) قطع این کتاب وزیرى خطش نستعلیق و شماره صفحاتش ۳۹۴ و هر صفحه دارای چهارده سطر بود و در اول صفحه این شعر حافظ ثبت شده بود :

«زاهد از کوچه رندان سلامت بگذرند تا خرابت نکند صحبت بدنامی چند.»
بعد در نه صفحه و نیم اول این کتاب فرهنگى از لغات و اصطلاحات فرنگى که در متن نامه بکار رفته بود ترتیب داده شده و پس از آن نامه بعنوان (ای دوست عزیز من جلال الدوله) آغاز گشته و خطابات (ای جلال الدوله) و همچنین مطالب مهم و آیات قرآن و احادیث بخط درشت و با مرکب قرمز نوشته شده بود .

مطالب نامه که بسیار مهم و حاوی نکات فلسفى و نظریات حکیمانه مادى و تشریح علل بدبختى ایران بوده حاکی از تبحر و احاطه بسیار عمیق نگارنده نامه بعلوم اسلامى از تفسیر و حکمت و حدیث و غیره و نیز آشنائى کامل بتاریخ و اخلاق وقوانین ایران باستان و اوضاع و جریانات آن پس از حمله عرب بایران و همچنین معرفت کامل بفرسقه و علوم جدیده مغرب زمین مخصوصاً آشنائى بآثار نویسندگان و دانشمندان بزرگى مانند لئو و منتسکیو و هائری توماس بوکل و جان استوارت میل و غیره میباشد .
آشنائى با يك چنین اثر بزرگ فلسفى که دارای نکات بسیار خساس دینى و تاریخی و اجتماعى بود حس کنجکاوى مرا تحریک نمود تا نقطه های تاریكى را که در آن بود روشن گردانم زیرا اولاً این نسخه که در آن قید شده بود از روی نسخه اصل نوشته شده تاریخ نداشت تا معلوم شود در چه سالى استنساخ شده ثانیاً دانسته نبود

اصل ورنه نوشت آن در ایران و یا خارج از ایران نوشته شده ثالثاً مؤلف و نویسنده آن مجهول بود رابعاً جلال الدوله شناخته نبود که کیست از این جهات روزیکه این نسخه بدستم آمد در پیرامون آن بیازجویی آغاز کردم و هر چه بیشتر کوشیدم کمتر نتیجه رسیدم زیرا با هر یک از دانشمندان و مطلعین که مذاکره کردم یا اظهار بی اطلاعی کردند و یا گفتند که چنین نامه را دیده و یا شنیده اند که به صدخطابه معروف و نویسنده آن شادروان میرزا آقاخان کرمانی بوده است .

چون ناآن اوقات صدخطابه را ندیده بودم باخرسندی تمام ازشناختن نویسنده چنین اثر بزرگ فلسفی درصدد برآمدم یک نسخه از صدخطابه را بدست آورم تا هم از دلایل و علاماتی که صحت انتساب نامه کمال الدوله را بشادروان میرزا آقاخان کرمانی برساند آگاه شوم و هم نسخه موجود در نزد خود را با آن مطابقت کنم و عاقبت یک نسخه از صدخطابه را در کتابخانه مجلس شورای ملی یافتم . نسخه صدخطابه موجود در کتابخانه مجلس بخط نسخ و قطع وزیرى در ۱۴ صفحه و هر صفحه دارای ۱۷ سطر و تحت شماره ۹۰۳۹۸ نگاهداری شده در ابتدای این نسخه نوشته شده : بنام ایزد یکتا « صورت يك صد - خطابه ایست که شاهزاده کمال الدوله دهلوی که پدرش در زمان شاه تیمور از ایران به مرز و بوم هندوستان هجرت کرده بدوست محترم خود نواب جلال الدوله شاهزاده ایران نوشته است و خرابی ایران را نگاشته . »

پس از ملاحظه این نسخه که بیش از چهل و دو خطابه را محتوی نبود گذشته از اینکه آنرا بسیار مختصر و ناقص یافتم و با نسخه موجود در دست نگارنده مطابقت نداشت دیدم متأسفانه کوچکترین دلیلی که انتساب آنرا به حرم میرزا آقاخان کرمانی برساند وجود ندارد تنها نکته را که یافتم این بود که چرا آنرا صدخطابه نامیده اند علت آن ظاهراً این است که چون در اصل نامه خطاب (ای جلال الدوله) در سر هر جمله و مطلبی تکرار شده این است که نامه را بخطابات تقسیم نموده اند ولی معلوم نیست در صورتیکه چهل و دو خطابه بیشتر وجود ندارد چرا بصد خطابه معروف شده است .

در جلد دوم فهرست کتب خطی کتابخانه مجلس نیز که گردآورنده شادروان یوسف اعتصامی در سال ۱۳۱۱ خورشیدی است در صفحه ۴۸۵ بسطور ذیل بر خوردم :

«صد خطابه نگارش میرزا آقاخان کرمانی صاحب رضوان و تاریخ آئینه اسکندری و غیره در شرح پربشانی و خرابی اوضاع ایران مطالب این کتاب از طرف کمال الدوله دهلوی موهوم بجلال الدوله شاهزاده ایرانی غیر معلوم نوشته شده و بیش از چهل و دو خطابه بدست نیامده است و گویا در سال یازدهم یا دوازدهم قبل المئین کلکته انتشار یافته است.»

بسیار افسوس خوردم که پس از مدتها پی جوئی و تعقیب بمنظور خود نرسیدم و افسوس من بیشتر از این جهت بود که در مدت قریب پنجاه سال یا بیشتر جزوه بخطوط گوناگون دست بدست آزادینخواهان و میهن پرستان ایران میگذشته ولی کسی در صد بر نیامده است درباره آن تحقیقات جامعی نموده و جهات تاریخ آنرا روشن دارد. حتی مرد دانشمند و ادیبی مانند مرحوم اعتصامی بطوریکه دیده شد بطور قطع نوشته است (صد خطابه نگارش مرحوم میرزا آقاخان کرمانی است) بدون اینکه بر طبق رویه محققین دلیل صحت انتساب را ذکر کند و یا در صورت فقدان دلیل بنویسد (منسوب به...) نکته دیگری که بر آن برخوردیم این بود که کاپیه کسانی که نامه کمال الدوله را خوانده بودند بارزش بزرگ و نکات و دقائق فلسفی آن پی نبرده و بطور ساده آنرا نقلی کرده اند که (درباره شرح خرابی ایران بوده است).

در هر حال تصادف مسرت بخشی بود که نگارنده در سال ۱۳۱۹ از مسکو بنمایندگی دولت ایران در جمهوری آذربایجان شوروی بیاد کوبه رفتم و در آنجا در ضمن بررسیها و مطالعاتی که در کتابخانههای آنجا داشتم بمقصود خود رسیدم و اینک نتیجه بازجوئی های خود را باطلاع خوانندگان ارجمند میگذارم.

در اینجا نکته را که لازم میدانم قبلاً متذکر شوم این است که در این عمل هیچ نظری جز روشن کردن نکات تاریخ نامه که از پنجاه سال پیش مورد علاقه صاحب نظران بوده نمی باشد و باید اعتراف کنم موقعی که کتاب نامه اول کمال الدوله بدست نگارنده افتاد حتی از اشتهار انتساب آن بشادروان میرزا آقاخان کرمانی که یکی از پیشروان آزادینخواهان ایران است مسبوق نبودم نتیجه این تحقیقات هر چه باشد بی گفتگو در مقام عالی شادروان میرزا آقاخان کرمانی در نزد ملت ایران مخصوصاً آزادینخواهان تأثیری نخواهد

داشت زیرا این نیکمرد از کسانی است که برای آزادی میهن خود و خوش بختی هم میهنانش از هیچگونه فداکاری کوتاهی نکرده است و سرانجام جانش را هم در راه میهن قربانی داده است.

طبق بازجوئیها که شده و اسناد و دلایلی که در دست است

نویسنده اصلی نامه‌های کمال‌الدوله میرزا فتحعلی آخوندزاده

است. میرزا فتحعلی پسر میرزا محمد تقی کدخدای ده خامنه

ار حوالی شبستر در پیرامون تبریز بوده و در ده سالگی

(۱۲۳۶ هجری) از تبریز با مادر خود بارسباران و از آنجا بققاز رفته و پس از

تحصیلاتی که نزد حاج علی اصغر قراچه داغی پدر زن خود نموده در دفترخانه جانشین

ققاز مترجم زبانهای اسلامی بوده است (۱)



این مرد یکی از دانشمندان بزرگ قرن گذشته

است که هیچ مبحثی از مباحث علمی و فلسفی

و دینی از نظرش دور نمانده و در باره همه آنها

اظهار نظر کرده است آنچه از آثار این مرد دانسته

میشود وی یکی از بزرگان فلسفه مادی بوده و

موجبات جهالت و نادانی شرقیان و بدبختی آنان

را تعصبات جاهلانه دینی تشخیص داده بوده است.

میرزا فتحعلی بیشتر آثار خود را در باره انتقاد

از اوضاع و احوال اجتماعی و اصول اداره استبدادی

فتحعلی آخوندزاده

ایران برشته نگارش کشیده و با اینکه در خدمت دولت تزاری بوده و از شاگرد

مترجمی ب مترجمی جانشین قققاز و از سروانی تا پایه سرهنگی رسیده بود آنی از

میهن پرستی و ایرات دوستی فروگذار نکرده و تا پایان زندگانی خود صمیمانه

آزادی ایران را از دست ستمکاران و پیشرفت او را بسوی ترقی و تعالی خواستار

بوده است.

(۱) در باره سرگذشت آخوندزاده و کارهای او بگفتارهای نگارنده در شماره‌های ۲۹ و

۳۰ و ۳۱ و ۳۲ و ۳۳ و ۳۶ و ۳۹ روزنامه امید مراجعه شود.

قسمت اعظم آثار میرزا فتحعلی که عبارت از مرثیه منظوم درباره مرگ پوشکین شاعر نامدار روسی در سال ۱۲۵۲ (۱۸۳۷) و درامها و داستان ستارگان فریب خورده (از سال ۱۲۶۷ تا ۱۲۷۴) بزبانهای فارسی و فرانسه و انگلیسی و آلمانی و روسی ترجمه شده است ولی قسمتی دیگر از نوشته های وی از جمله نامه های کمال الدوله تا زمان انقلاب بزرگ اکتبر چاپ نشده بوده است.

از بازجوئیهای ~~که~~ شده در سال ۱۲۸۰ (۱۸۶۴) میرزا فتحعلی بنوشتن مکتوب بکمال الدوله آغاز کرده آن را به سه مکتوب تقسیم و پاسخی هم از جلال الدوله در رد مطالب نامه ترتیب داده است چون در آن زمان با وجود رژیم استبدادی تزاری در روسیه که آن دولت ملیونها اتباع مسلمان متعصب داشته و همچنین بواسطه اوضاع استبدادی ایران نوشتن چنین مطالبی برای نویسنده و گوینده آن خطرات جانی داشت از این رو اسم خود را کتمان نموده است این عمل یعنی کتمان نام نویسنده اصلی و یا انتشار آن بنام مجهول که در نتیجه و جهالت و تعصب بوده منحصر بوی نبوده است تاریخ نشان میدهد که در قرون وسطی و بعد از آن مردان دانشمند و بزرگ که عقاید و آراء خود را بر خلاف معتقدات و یا اصول اداره زمان خود علناً اظهار داشته اند دوچار چه شکنجه و عذابهای طاقت فرسایی شده اند و در نتیجه این اوضاع ستمگرانه بسیاری از این اشخاص در آثار و نوشته های خود رویه احتیاط را پیش گرفته آثار خود را بدون شناساندن نام خود و یا با نامهای مجهول انتشار داده اند برای نمونه میتوان مونتسکیو و شکسپیر و هولباخ و اسپینوزا و حاج زین العابدین مراغه را نام برد. منتسکیو نامه های ایرانی را بنام مجعول دیگر انتشار داده و کتاب سفرنامه ابراهیم بیگ که در آغاز مشروطیت ولوله در ایران افکند مدتی نویسنده اش شناخته نبود بعد معلوم شد نویسنده و مؤلف آن حاج زین العابدین مراغه میباشد.

از میرزا فتحعلی آخوندزاده اسنادی در دست است که دیده میشود خود وی نیز از همین جهات معتقد بوده است که برای احتراز از خطرات احتمالی باید نوشته های تند انتقادی از اصول اداره و عقاید و اوضاع اجتماعی را بنام های غایبه و مجهول نوشته و انتشار داد مثلاً میرزا ملکم خان نمایش نامه اشرف خان و غیره را نوشته و نزد آخوندزاده فرستاده بود

که آنها را انتقاد نموده و نظرش را بنویسد آخوند زاده در پاسخش مینویسد :

« نوشتن و منتشر کردن این قبیل مطالب در باره معاصرین محل خطر است و انگهی در مملکتی مثل ایران که هنوز بر عمل چاپ و تصنیفات ارباب خیال آزادی مطلق داده نشده است، پس چه باید کرد؟ مطلب نیز خیلی عمده کی دارد، نوشتن بسیار واجب است، علاج آسانست تاریخ وقوع گزارش را میاندازند بعصر شاه سلطان حسین صفوی که در دولتش نظم نبوده گویا در عصر سلطنت او اشرف خان از عربستان میآید و بدان بلا گرفتار میشود در آنصورت هیچکس گریبان شما را نمیتواند گرفت و معاصرین هم حساب خودشان را از این سرگذشت خواهند برد اگر اسم اشرف هم در زمره معاصرین وقت است تغییرش بدهید. بنا بر این او نخواسته است نه نام خودش را علنی بکند و نه نام کسی را که مکتوبات سه گانه را بنام او نوشته بوده است.

چنانکه ذکر شد میرزا فتحعلی در سال ۱۲۸۰ هجری اثر خود بنام مکتوب کمال الدوله را تمام کرده و آنرا به سه مکتوب تقسیم و در بالای هر سه مکتوب نوشته شده. (مکتوب اول کمال الدوله در ماه رمضان ۱۲۸۰ از تبریز.)

در مکتوب اول قبلاً همان شعر خواجه حافظ که در نسخه این جانب ذکر شد وجود دارد نسخه ترکی این مکتوب اول درسی و چهار صفحه و هر صفحه بتفاوت از ۳۴ الی ۳۷ سطر میباشد (با حواشی) مکتوب دوم دارای ۵۳ صفحه میباشد و مکتوب سوم ۱۸ صفحه میباشد^(۱) در بالای پاسخ جلال الدوله باین سه مکتوب نوشته شده :

(پاسخی است که شاهزاده ایران جلال الدوله بشاهزاده هندی کمال الدوله نوشته است در ماه ذیقعد ۱۲۸۰ از مصر)^(۲) در پشت جلد اول قید شده مکتوبات شاهزاده هندوستان کمال الدوله فرزند اورنگ زیب که به دوست خود شاهزاده ایران جلال الدوله ساکن مصر نوشته است و جواب جلال الدوله بناریخ ۱۲۸۶) پس از اتمام سه مکتوب میرزا فتحعلی سه نامه دیگر نیز نوشته که بنام ملحقات کمال الدوله است بالای نامه اول سطور ذیل قید شده است (سواد مکتوبی است که یکی از دوستان مصنف کمال الدوله بیکی از همراز آن مصنف مذکور بقلم آورده است در سنه ۱۲۸۰)

(۱) مقصود نسخه چاپی است. (۲) جوابی که بنامه های کمال الدوله تهیه شده از حیث مطلب و استدلال سست و بی پایه است و آخوند زاده عمداً در حاشیه آن قید نموده که چون این پاسخ درست نیست جوابی با استدلال محکم تهیه خواهد کرد.